

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پژوهشکده زبان شناسی

پایان نامه کارشناسی ارشد

فرهنگ و زبانهای باستانی (M.A.)

موضوع

بررسی متن گزارش گمان شکن

استاد راهنما

دکتر مهشید میر فخرایی

استاد مشاور

دکتر محمد تقی راشد محصل

نگارش

محمد رضا خسروی

سال تحصیلی ۱۳۷۶

فهرست مطالب

۱	چکیده
۲	پیش‌گفتار
۵	متن زند
۴۰	متن پازند
۸۰	آوانویسی و ترجمه
۱۸۲	واژه‌نامه
۲۳۶	کتابنامه

چکیده

خلاصه متن گزارش گمان شکن بدین ترتیب است که مردان فرخ نویسنده این کتاب پس از معرفی آفریدگان اورمزد و عناصر مهم در آفرینش به گزارش درباره اساس دین زردشتی می پردازد همچنین چهار طبقه اجتماعی موجود در دوره ساسانیان را به چهار فضیلت تشبیه می کند. او همچنین پس از معرفی خود دلیل نوشتن این کتاب و نیز منابعی را که از آنها در نوشتن آن سود جسته است، معرفی نموده متذکر می شود که خود پایه آموزشی دارد نه پایه آموزگاری. اساس کتاب بر پایه پرسشهایی است که شخصی به نام مهریار ماهمادان از شهر اصفهان از مردان فرخ نموده و او نیز به پاسخگویی و رفع ابهام پرداخته است.

پرسشهایی از قبیل اینکه چرا اهریمن به روشنی تاخت و به آن آسیب رساند و آیا اهریمن و اورمزد از یک گوهرند یا از گوهرهای جدا و آیا اهریمن خود آفریده اورمزد است و یا اینکه اگر اورمزد تواناست چرا اهریمن را از بد کردن باز نداشت. در فصل پنجم کتاب دلایلی علیه منکران وجود خدا و مشرکان ارائه نمی نماید و اظهار می دارد که بالاترین دانش در جهان دانش خداشناسی است و به ظرافتهایی که در آفرینش انسان به کار رفته اشاره می کند.

پیش‌گفتار

کتاب گزارش گمان‌شکن در سده نهم میلادی توسط مردان‌فرخ نوشته شده موضوع کتاب یزدانشناسی زردشتی است و در مقام دفاع از معتقدات دین زردشتی و ردّ نظرات مخالفان دیگر ادیان نوشته شده است^۱ کتاب به بخشهای زیر تقسیم می‌شود:

۱- پاسخ به پرسشهایی درباره شریعت زردشتی

۲- انتقاد به دینهای بیگانه

پرسشها توسط شخصی به نام مهریار ماهمادان انجام شده که از مردم سپاهان بوده است. لقب او همه‌پیروزرگ است و پرسشها را از روی نیک‌اندیشی کرده نه از روی بدخواهی و می‌خواسته چیزی یاد بگیرد.

۱- این کتاب از نظر زبانی جزو بهترین منتهای پهلوی است؛ نمونه یک متن پهلوی فصیح است و در آن برخلاف دیگر کتابهای پهلوی در مبارزه با ادیان دیگر از استدلال منطقی استفاده شده و کمتر اسطوره و افسانه می‌توان در آن دید.

متن اصلی پهلوی این کتاب از بین رفته و تحریر پازند و ترجمه سانسکریت آن در دست است اما پنج فصل اول کتاب در زمانهای متأخرتر دوباره از پازند به پهلوی برگردانیده شده است.

پرسشها درباره جایگاه اورمزد و اهریمن و مکان آنها در میان ستارگان است. در فصل پنجم کتاب بحث پیرامون خدانشناسان مطرح می‌شود. آنگاه در فصلهای ۷ تا ۹ اثبات وجود دوبن و گوهر در هستی می‌آید. در فصل دهم چه گونگی رستگار شدن و پرسشهایی درباره نماد بدی و اینکه چه گونه دینهای جهانی به این پرسشها پاسخ می‌دهند مطرح می‌شود. فصلهای ۱۱ تا ۱۶ کتاب جنبه جدلی دارد و به برخورد با عقاید ادیان دیگر می‌پردازد و فصل آخر کتاب نیز ناتمام است.

کاری که در این رساله ارائه شده ترجمه‌ای است بر متن پهلوی این کتاب که همانطور که در پیش نیز آمد شامل ۵ فصل است. در کار این ترجمه منابعی که مورد استفاده قرار گرفت در کتابنامه آمده است.

واژه‌نامه بر اساس الفبای لاتین طبقه‌بندی شده و معادل‌های فارسی و پازند به ترتیب در جلوی هر واژه آمده است توضیحات به جای آنکه در بخشی جداگانه ذکر شود، هر جا که لازم بوده به صورت پاورقی در زیر ورقه به آن اشاره شده است. موضوع قابل توجه در این متن به طور اخص، فراوان بودن اصطلاحات و واژگان فلسفی در آن است که شاید در دیگر متون پهلوی کمتر با آنها برخورد نماییم به عنوان مثال به چند مورد از آنها در زیر اشاره می‌شود.

abēhangih بی‌هدفی

ačār-dānišnīh دانش قطعی (جزمی)

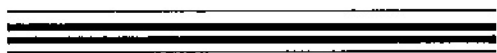
az-xwadih ارادی

čihr-mālišnīh محسوسات (طبیعی)

ēw-kardagīhā	یکنواخت، یکپارچه
gōgān	تفصیل
halag-xwāhišniha	بیهوده خواهی
hambasān	دشمن
ham-sāzagih	هم سازی، اتحاد
hangōšīdag-dānišnih	دانش قیاسی
hōmānāg-bahrīh	همانندی جزئی
hufward	آمرزیده، مرحوم
jadišn	عَرَض
jud-pahikār	دشمن
nēst-yazd-gōwān	مشرکان، منکران خدا
tan-kardīg	مادی
was-uskārišnih	آموزه های بسیار
xrad-padīrišniġ	مستدل
zūr-mihōxtihā	به فریبکاری، فریبکارانه

در سرانجام این سخن بهترین آرزوها را برای کسانی دارم که راهنمایی تنظیم این پایان نامه را به بهترین شیوه عهده دار شدند و تا فرجام آن همراهی نمودند. استاد راهنما سرکار خانم دکتر مهشید میرفخرایی و استاد مشاور دکتر محمدتقی راشد محصل همیشه پیروز و سربلند باشند.

متن زندگی
ایه‌لوی



ŠIKAN-GŪMĀNĪK VIJĀR

CHAPTER I.

1. 111' 111' 111' 111' 111' 111' 111' 111' 111' 111'
111' 111' 111' 111' 111' 111' 111' 111' 111' 111'
111' 111' 111' 111' 111' 111' 111' 111' 111' 111'
111' 111' 111' 111' 111' 111' 111' 111' 111' 111'
111' 111' 111' 111' 111' 111' 111' 111' 111' 111'
111' 111' 111' 111' 111' 111' 111' 111' 111' 111'

15 ס' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת'
 מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' 16 מכת' מכת' מכת'
 מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' 17 מכת' מכת' מכת'
 מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' 18 מכת' מכת' מכת'
 מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' 19 מכת' מכת' מכת'
 מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' 20 מכת' מכת' מכת'
 מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' 21 מכת' מכת' מכת'
 מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' 22 מכת' מכת' מכת'
 מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' 23 מכת' מכת' מכת'
 מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' 24 מכת' מכת' מכת'
 מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' 25 מכת' מכת' מכת'
 מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' 26 מכת' מכת' מכת'
 מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' מכת' 27 מכת' מכת' מכת'

škend gumānīg wizār

پاره نخست

- 1** pad nām ī ōhrmazd xwadāy ī mahist ud dānāg
wisp-xwadāy wisp-āgāh ud wisp-tuwān,
- 2** kē andar-iz mēnōgān mēnōg.
- 3** u-š az xwadīh ī ēk pad ēkīh ōstīgan āfrīd,
- 4** u-š dād pad xwēš anahambadīg zōr abardar haft
amahraspand ud wispān yazdān ī mēnōgān
gētīgan,

- 5** ud haft gētīg daxšagān ī hēnd mardōm, gōspand
ātas, ayōxšust, zamīg āb <ud> urwar.
- 6** u-š dād marōm pad sālārīh ī dāmān ō
kām-rawāgīh.
- 7** u-š āmad hanagām pad xwēš xwābarīh
abaxšāyišngarīh ō xwēšān dāmān ud dēn ud
dānāgīh abēzagīh gumēzagīh čīhrīh kāmīh.
- 8** ēdōn-iz wir ōš, xrad, dānišn, bōy, frawahr ī hēnd
ruwān abzarān ī hēnd āgāhīh xwāstār ī ēn
abzārān mēnōg panj ī hēnd wēnišn šnawišn,
hambōyišn, čāšišn <ud> pahrmāyišn,
- 9** pad panj abzārān ī gētīg ī hēnd čašm, gōš, wēnīg,
dahān, hamāg tan mālīdārān,

- 10** u-š pad ēn abzārān abāgih mardōm dād ō
rāyēnidārih ī dāmān.
- 11** u-š dād dēn ī harwisp āgāhīh mahist draxt
homānāg,
- 12** kē-š ēk stūnag dō waxšišn sē azg čahār šāg panj
barg-gāh.
- 13** u-š ēk stūnag paymān.
- 14** dō waxšišn kunišn ud pahrezišn.
- 15** sē azg humat huxt huwaršt ast humēnišnīh
hugōwišnīh hukunišnīh.
- 16** čahār šāg cahār pēšagān ī dēn kē-š dēn gēhān
pad-iš wirāyihēd,

- 17** i ast āsrōgih, artēštārih, wāstaryōših hu-tuxših.
- 18** panj barg-gāh panj bedān i-šān dēnig nām
mānbed wisbed zandbed dehbed zarduxšt-tom.
- 19** ud ēk sarān-sar i ast šāhān šāh dahibed i gēhān.
- 20** u-š andar gēhān kodag i ast mardōm paydāgēnid
pad homānāgih i ēn čahār pēsagān i gēhān.
- 21** čiyōn abar sar āsrōgih,
- 22** abar dast artēštārih,
- 23** abar aškamb wāstaryōših,
- 24** abar pāy hu-tuxših.

25 ēdōn-iz čahar hunarān andar mardōm ī ast xēm,
hunar, xrad, tuxšāgih,

26 abar xēm āsrōgih ciyōn mahist xwēškārīh ī
āsrōgān xēm ud šarm ud bīm rāy wināh nē
kunēnd,

27 abar hunar artēštarrīh ī ast wāspuhragāntar
payrāyišn ī artēštārān hunar ī wizārīhēd narīh ī
az-xwadīh,

28 abar wāstaryōšān xrad ī ast ardīg-kārīh* ī
warzīdan ī gēhān paywastan ō frašagird,

29 abar hu-tuxšān tuxšāgih ī ast mahist
rawāgēnidārīh ī-šān pēšag.

* - به صورت xradig-kārīh به معنی خردمندانه نیز می تواند خوانده شود.

گزارش گمان شکن

پاره نخست

به نام اورمزد خدای بزرگ و دانا، همه خدای، همه آگاه، همه توان.

۱

که در میان مینویان نیز مینو <ست >

۲

و از خودی خود هر یک از <آفریدگان را > استوار آفرید.

۳

و با زور بی همتای بی رقیب خویش هفت امشاسپند برتر و ایزدان مینوی و گیتی ای (=مادی) را آفرید.

۴

۵ و هفت نشانه گیتی که مردم، گوسفند، آتش، فلز، زمین، آب و گیاه هستند.

۶ و مردم را به سالاری آفریدگان برای روایی کام <خود> آفرید

۷ و آمد هنگام هنگام به سبب مهربانی و بخشاینده‌گی اش نسبت به آفریدگان خود و دین و دانایی و پاکی، آمیختگی، طبیعت، اراده.

۸ ایدون نیز یاد، هوش، خرد، دانش، آگاهی، فروهر که ابزاران روان هستند، آگاهی خواهان این پنج ابزار مینوی هستند <یعنی> بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و پرماسش (= بساوایی).

۹ برابر پنج ابزار گیتی، چشم، گوش، بینی، دهان و همه سطوح حساس تن هستند.

۱۰ و با همراهی (= کمک) این ابزاران مردم را برای اداره آفرینش، آفرید.

۱۱ و دین همه آگاهی را مانند درخت بزرگی آفرید.

۱۲ که یک ستون، دو شاخه < اصلی >، سه شاخه < فرعی >، چهار شاخک و پنج جوانه دارد.

۱۳ یک ستون آن، پیمان است.

۱۴ دو شاخه < اصلی > آن، کنش و پرهیز (= خودداری)

۱۵ سه شاخه < فرعی > آن، اندیشه نیک، گفتار نیک و کردار نیک، که < همان > نیک اندیشی، نیک گفتاری و نیک کرداری است.

۱۶ چهار شاخک < همان > چهار پیشه دین < است > که جهان با آنها ترتیب یافته است.

۱۷ که موبدی، ارتشتاری (= سپاهیگری)، کشاورزی و صنعتگری هستند.

۱۸ پنج جوانه آن، پنج سروری (= ریاست) است که نام دینی آنها مانبد (= سالارخانه)، ویسبد (= سالارده)، زند بد (= سالار قبیله)، دهبد (= سالار کشور) و زردشت ترین است.

۱۹ و یک سرِ سران < یعنی > شاه شاهان که فرمانروای همه جهان است.

۲۰ و در جهان کودک (= اصغر) که مردم است، این چهار پیشه را به همانندی آشکار کرد

۲۱ بر سر، پیشه موبدی همانند است.

۲۲ بر دست، ارتشتاری.

۲۳ بر شکم، کشاورزی.

۲۴ بر پای، صنعتگری

۲۵ نیز بدین ترتیب چهار فضیلت که در مردمان است، که خیم، هنر، خرد و کوشایی است

۲۶ با خیم، موبدی است، که خیم بزرگترین خویشکاری موبدان است که به سبب شرم و بیم ناشی از آن، گناه نکنند.

۲۷ با هنر، ارتشتاری است، که هنر والاترین آرایه ارتشتاران است که به مردانگی (= شهامت) ارادی گزارش می‌شود.

۲۸ با خرد، کشاورزی است، که با تلاش کشاورزی کردن، برای پیوستن جهان به فرشگرد است.

۲۹ با کوشش، صنعتگری است، که بهتر رواج دادن پیشه‌شان است.

۳۰ همه این ترتیبهای گوناگون بر ستون واحد راستی و پیمان‌پذیره (= در تقابل با) رقیب، دروج و ابزاران آن هستند.

۳۱ به طوری که این آیینها و موقعیتها را که از دینها و باورهای بسیار، در زمان (= در تاریخ) بر شمردم که دشمن، معارض ویرانگر و آسیب‌رسان یکدیگرند.

۳۲ با وجود دشمنی و ویرانگری و آسیب‌رسانی به یکدیگر، یکپارچه و با همه نیرو، به پذیره راستی واحد می‌ستیزند.

۳۳ راستی، خود، نیروی یکتای استوار برای یکتایی راستی است.